

آمیولاتس

۱۶۲۵میلیاردنفرضامن موردنیازاست



پوریا عالمی

• رئیس سازمان بازرسی کل کشور گفت: «پرونده فردی در دوره گذشته وجود دارد که شش‌هزار و ۵۰۰میلیاردتومان از بانک‌ها وام دریافت کرده و وثایق آن به اندازه کافی نیست.»

ما نمی‌دانیم حالا چرا. یعنی به‌قول شه‌ریار نوشدارویی و بعد از برپادرفتن پول‌ها آمدی... اصلا پول‌ها هیچی، نوشدارویی و بعد از رفتن بغل سلین‌دیون خاوری را آمدی که همسایه‌شان شد، حالا که پولی بر جا نمانده چرا؟

البته الان اینطوری است که طول می‌کشد تا معلوم شود شش‌هزار و ۵۰۰میلیاردتومان چطوری جابه‌جا شده، چیزی که مشخص است این است که این پول‌ها با موتور جابه‌جا نشده. چون اخیرا با موتور اسید جابه‌جا می‌کردند، پلیس چهارساعته دستگیرشان کرد. مفسدان اقتصادی ما هم قضیه آمده دستشان، جای اینکه موتور بگیرند تا سریع گیر بیفتند، از ماشین‌ا‌ینا استفاده می‌کنند، از بس که کلک هستند.

حکایت

ما بچه بودیم موقع گرگ‌به‌هوا، از جاده استفاده می‌کردیم. یعنی به کسی که توپ دستش بود و گرگ بود می‌گفتیم جاده بدهد تا ما راه دررو داشته باشیم و خودمان را از مهلکه دور کنیم. البته این خاطره ربطی به هیچی ندارد و این توی دل ما مانده بود که از بچگی برای یکی تعریفش کنیم.

حالا برعکس

از قدیم گفتند حساب به دینار، بخشش به خروار؛ حالا برعکس.

آمیول

به جان عالمی ما بخیل نیستیم. اصلا بروند کروکرور پول هپلی هپو کنند. دشان گرم. ما فقط ماندیم اینها چندتا ضامن داشتند؟ چون ما رقتیم دومیلیون‌تومان وام بگیریم، دوتا ضامن کارمند رسمی ادارات دولتی خواستند. دودوتاچهارتا دیگر؟ تابلو است که شش‌هزار و ۵۰۰میلیاردتومان توش سه‌هزار و ۲۵۰میلیاردتا دومیلیون‌تومانی است. اگر هر دومیلیون‌تومان دوضامن معتبر دولتی بخواهد پس یعنی این آقاهه که رفته شش‌هزار و ۵۰۰میلیاردتومان وام گرفته، هزار و ۶۲۵میلیاردنفر ضامن داشته؟ واقعا دمش گرم.

شرق روزنامه

www.sharghdaily.ir

دوشنبه ۱۱ اسفند ۱۳۹۳ • ۱۱ جمادی‌الاول ۱۴۳۶ • ۲ مارس ۲۰۱۵ • سال دوازدهم • شماره ۲۲۵۰ • صفحه اذان ظهر تهران ۱۷:۱۲ • اذان مغرب ۱۸:۱۸ • اذان صبح فردا ۵:۰۹ • طلوع آفتاب ۶:۳۲

روزنامه‌فرا

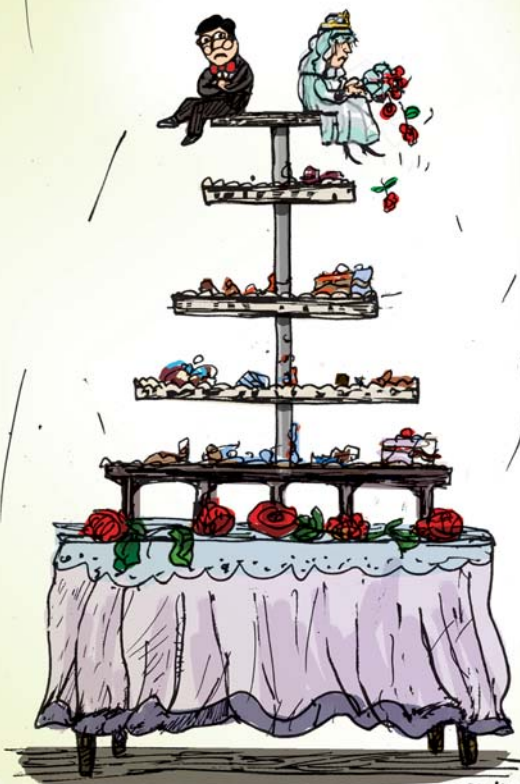
fardashargh@gmail.com

کارتون خواب

آروین

arvinmad@gmail.com

در هر ساعت ۱۸ طلاق ثبت می‌شود



پشت جلد

سربالایی طنز و سرازیری سانسور!



کریم ارغنده‌پور

طنز از موثرترین و پرخواننده‌ترین و درعین‌حال از سخت‌ترین بخش‌های کار رسانه‌ای است. به نحو آشکاری نقد در سطوح مختلف جامعه کمتر تحمل می‌شود. با اینکه می‌دانیم اشتباهاتمان کم نیست ولی خوش نداریم مورد مخالفت قرار بگیریم یا کاستی‌هایمان بازنمایی شود. این هم فقط منحصر به بخش سیاست نیست. همه بخش‌ها از این نظر سخت‌گیرند. آستانه تحمل‌ها فوق‌العاده پایین است. به‌همین‌خاطر کمتر فرد یا دستگاه و نهادهی طنز دربراره خود را می‌پذیرد. در این زمینه گویی رقابتی در نپذیرفتن کلامی از کل کمتر بین همه ما وجود دارد که تاسف‌آور است. با این پیش‌زمینه

اکثر فرد یا مجموعه‌ای با طنز درباره خود یا کارش برخورد مثبت دارد، باید قدرش را شناخت و درکش را ستود. هرگاه می‌شنوم کسی در واکنش به انتقادی می‌گوید «نقد بکنید ولی تخریب نکنید»، بلافاصله این سوال پیش می‌آید که مرز بین نقد و تخریب کجاست؟ و چه مرجعی باید آن را تشخیص دهد؟ اگر نهاد قدرت، تشخیص‌دهنده باشد، طبیعی است که به‌خاطر آنکه بخش مهمی از نقد درباره خودش است کارش سوال‌برانگیز خواهد بود. طبعاً من هم قبول دارم نقد باید در چارچوب قانون باشد ولی اگر تفسیر قانون در این زمینه تنگ باشد، عملاً از نقد جز عنوانی زیبا و فریبنده و بی‌خاصیت باقی نخواهد ماند. به همین‌خاطر مرجع تشخیص نقد از توهین یا تخریب یا هر عنوان بازدارنده دیگری فقط باید افراد خبره باشند که کار مطبوعاتی را بشناسند و قضاوتشان هم بر اساس معیارهای برآمده از متن قانون یا هنجارهای غالب عمومی باشد. با وجود

پرسه

پنبه‌زنی...پنبه‌زنی

که خودمان هم روزی این‌کاره شویم اما ناراضی هم نیستیم. کاری است که ناموس می‌شناسد؛ من پنبه‌زن وقتی وارد یک خانه می‌شوم، با خانم خانه طرف هستم نه با مردش، باید اهل این کار باشی تا در خانه را به رویت باز کنند و اعتماد داشته باشند.»

میرزا نه بیمه‌ای دارد و نه حقوق ثابتی اما می‌گوید در این ۴۰سال، نشده که دست‌خالی سر سفره عید بنشیند: «دوسال قبل، عید بدی بود، واقعا کاسبی کساد بود، یک‌روز از جلو خیریه امام‌حسن‌مجتبی(ع) در خیابان جیحون رد می‌شدم، حاج‌آقایی آمد و صدایم کرد و گفت چقدر می‌گیری تمام لحاف و تشک مسجد را مرتب کنی، فهمیدم که امام جماعت یکی از همان مسجدهای هاشمی است، گفتم هرچقدر بفرمایید، از بی‌کاری که بهتر است، خلاصه دستمان را خدا توی حنا نگذاشت.»اسفند دارد وارد دومین هفته می‌شود و بعد نیست که برف و باران‌های احتمالی، چندروزی در کار میرزا وقفه بیندازد اما می‌گوید امسال هم هرطور که باشد می‌گذرد، شغلی دارد و مجبور است که برای زن و بچه‌اش هم که شده، آن را زنده نگه دارد.

خوب نیست و میرزا می‌گوید مشتری‌هایش این‌روزها بیشتر آنهایی هستند که از او دوزندگی می‌خواهند تا پنبه‌زنی: «بیشتر چیزی که از ما می‌خواهند، گرفتن درز ملاقه‌ها و تشک‌هاست، گاهی یک پتوی قدیمی می‌آورند که دوتکه‌اش کنیم، دیگر روزگار مثل قدیم نیست که بخواهند برای عروس و دامادهایشان یا برای میهمان‌های سال نو، لحاف و تشک بدوزیم، خرده‌کاری‌ها مانده فقط.»میرزا، هرروز از عبدالآباد با مینی‌بوس می‌آید سمت میدان آزادی و از آنجا، خیابان‌های موازی را پیاده قدم می‌زند و کمان‌به‌دوش می‌گوید: «لحاف‌دوزیه... لحاف‌دوزیه...» و آنقدر این اسم را تکرار می‌کند تا کسی در خانه را برایش باز کند: «در تابستان‌ها مشتری بیشتر است و می‌روم در مغازه پسرعمویم در مولوی کار می‌کنم اما زمستان، فصل لحاف‌دوزی است، رسم قدیمی نوروز است که از سال‌ها پیش مانده، بادم است وقتی که بچه بودم، هرسال باید از لحاف‌دوزها وقت می‌گرفتم تا سوار بر دوجرخه‌های بزرگشان بیایند و بساط پنبه‌زنی را وسط حیاط پهن کنند. خب، ما فکرش را نمی‌کردیم

سعید برآبادی: نه زمستان امسال به زمستان‌های همیشگی شبیه است و نه هوا، بوی عید می‌دهد. از خانه‌تکانی و خرید عید هم خبری نیست؛ آدم‌ها هم این‌روزها مثل هوا معلقند بین زمستان و بهار. میرزا، پنبه‌زنی است که در ۴۰سال اخیر، هفته اول اسفند که می‌شود، دم‌ودستگاهش را برمی‌دارد و کوچه و خیابان‌های شهر را از صدایش پر می‌کند. طبیعی است که خلق‌و‌خوی مردم در نزدیک به نیم‌قرن تفاوت‌های فاحشی کرده باشد و دیگر آن آدم‌های قدیمی نباشند که بخواهند هرسال، بار تشک و لحاف‌های خود را بدهند دست پنبه‌زن‌های دوره‌گرد تا قوامشان بیاورد. میرزا اما هنوز در جنوب شهر، مشتری دارد: «از اول اسفند تا به حال، پنج‌تا نیم‌بهره کار کرده‌ام، یعنی صبح رفتم تا ظهر. معمولاً در خانه‌های حیاط‌دار، این کار بیشتر انجام می‌شود، چون جا برای پنبه‌زن‌ها هست. می‌روم در حیاط و لحاف و تشک‌های قدیمی را می‌آورند، معاینه‌شان می‌کنم و پنبه و پشمش را بیرون می‌کشم تا هوا بخورد و بعد با کمان می‌زنیم و دوباره بار را برمی‌گردانیم سر جای اولش.» وضع اما چندان

نوبیرانه بلومبرگ



Blomberg
seit 1883

خانه بلومبرگ : ۸۵۹۹۵

WWW.BLOMBERG.IR

هماهنگ با طبیعت

مصرف انرژی A+++ تاسیس ۱۸۸۳ در آلمان

با گارانتی شرکت سهند الکترونیک کیش

بانک رفاه کارگران

هفته تکریم مشتریان بانک رفاه کارگران

۱۳۹۳/۱۲/۹ لغایت ۱۳۹۳/۱۲/۱۴

برخی از خدمات خاص بانک در این هفته به شرح زیر است:

- ◀ اعطای ۲۰۰ هدیه یک تا ۵ میلیون ریالی به قید قرعه برای دارندگان حساب جاری
 - ◀ بخشش وجه التزام محاسبه شده تمامی بدهکارانی که نسبت به تسویه کامل دیون خود (از تاریخ ۱۳۹۳/۱۲/۹ تا پایان سال) اقدام کنند
 - ◀ معافیت کارمزد خدمات بانک تا سقف ۵۰ درصد
 - ◀ اعطای ۸۰۰ فقره تسهیلات ۲۰ میلیون ریالی خرید کالا به قید قرعه به مستمری بگیران و مقرری بگیران تامین اجتماعی
 - ◀ اعطای تسهیلات خرید کالا به زوجینی که در این تاریخ عقد کرده و جز مشتریان بانک هستند
 - ◀ ۲۰ جایزه ۲ میلیون ریالی به مشتریانی که بهترین پیشنهاد ها را در حوزه خدمات نوین بانکی ارائه کنند
 - ◀ اعطای کارت هدیه یک میلیون ریالی به مشتریانی که در این هفته صاحب فرزند شوند
 - ◀ و....
- برای اطلاع از جزئیات طرح ها و سایر خدمات به شعب بانک مراجعه کنید.

منتظر تان هستیم

www.refah-bank.ir

مرکز فراد (پاسخگویی و اطلاع رسانی): ۰۲۱-۸۵۲۵